

## توسعه شهری نیازمند خلاقیت و نوآوری

اخیراً مفهوم شهرهای خلاق به سرعت در دستور کار نظریه پردازان شهری قرار گرفته است و بحث های فراوانی در عرصه سیاست و دانشگاه درباب معانی مختلف و کاربردهای عملی آنها صورت گرفته است به نظر میرسد که ما در حال حرکت به سوی عصر خلاقیت هستیم یعنی عصری که در آن خلاقیت محور توسعه شهری منطقه ای و ملی به شمار می رود افراد خلاق شهرهای خلاق را به عنوان محل سکونتشان انتخاب می کنند.

به زغم ریچارد فلوریدا، **خلاقیت نیروی محرکه توسعه شهری است** وی بیان می کند در عصر صنعتی ویژگیها یا اصول سازمان در تمامی ابعاد زندگی رسوخ پیدا کرده بود اما در عصر حاضر ما آزادی عمل و تحرک بیشتری می خواهیم و در پی مکانها و شرایطی هستیم که خلاقیت را پرورش می دهند که در واقع توانایی انجام کارهای جدید با دانش موجود میباشد این خلاقیت نخست می تواند در چیزی که فلوراید آنرا « طبقه خلاق» می نامند یافت شود. طبقه خلاق گروهی است شامل اندیشمندان ، متفکران ، طراحان ، مهندسان و دانشمندان ، کارآفرینان و اصحاب رسانه که در یک چیز مشترک هستند، آنها درآمد خود را از طریق تفکر ،طراحی و تولید خلاق به دست می آورند. فلوریدا از شهرهای خلاق و دانش محور حمایت می کند زیرا آنها استعداد های خلاق را جذب می کنند و شرایط مناسبی را برای آنها فراهم می سازند افراد خلاق در پی مکان هایی با تسهیلات مناسب و سازگار با علایق و ترجیحات خود هستند این امر باعث رقابت در بین شهرها گردیده است، افزون بر این شواهد نشان می دهد که همبستگی مثبتی بین طبقه خلاق مستقر در شهرها و رشد اقتصاد محلی وجود دارد همچنین یافته ها نشان می دهد که رشد شهرها به دانش طبقات خلاق وابسته است به طوریکه آنها قادر هستند ایده ها و کسب و کارهای جدید خلق کنند. خلاقیت اغلب در فرایند تخریب خلاق به دست می آید که منجر به نوآوری و تحریک رشد اقتصادی می شود.

هندرسون اثرهای جانبی دانش را دریافت شهری مورد مطالعه قرار داده است وی تاثیر اثرهای جانبی را بر بهره وری شهری و اندازه شهری بررسی کرده است به زعم وی اثرهای جانبی دانش، منجر به رشد بهره وری و اندازه شهر می شود بنابراین می توان گفت انباشت دانش و اثرهای جانبی بر رشد بهره وری محلی و رشد شهری موثر است تحقیقات نشان می دهد که حرفه ها و کسب و کارهای دانش محور می تواند منجر به بهره وری و کامیابی

بیشتر شود. نیروی کار با مهارت بالا و به علاوه اقتصاد شهری و انعطاف پذیری و سازگاری بیشتر می تواند در برخورد با تغییر واکنش بهتری انجام دهد .

## استراتژی های نوآوری ضرورتی بر شهر دانش محور:

یکی از مفاهیم مهم در بحث شهرهای دانشی "استراتژی های نوآوری شهری" است دوایر اعتقاد دارد که محرکه های نوآوری شهری را در قالب یکسری استراتژی تدوین نمود که نهایتا می تواند نوآوری را در شهر راه اندازی ، تولید ، پرورش و تسریع نماید معمولا این استراتژی ها پیچیدگی خاصی دارند که افراد ، روابط ، ارزش ها، فرایندها، ابزارها و زیر ساخت مالی، فیزیکی و فناوری را در بر می گیرد. انجمن ها یا محافل در آتن باستان یکی از اولین مثال های چنین فضای شهری به شمار می آید. نوناکا در واژه شناسی خود اظهار می کند که استراتژی های نوآوری ، استراتژی هایی هستند که امکان خلق دانش و نوآوری را فراهم می سازد از این رو شهرهای دانشی بایستی فضاهایی را به عنوان محرکه های نوآوری فراهم سازند. مطالعات نشان می دهند که بسیاری از سازه های یک شهر معمولی می تواند به عنوان محرکه های نوآوری بکارگرفته شوند، اگر چه هر دانشگاه یا بخش صنعتی ، کشاورزی و غیره نمی تواند نقش یک محرکه نوآوری را به خوبی ایفا کند همیشه ترکیب منحصر به فردی از عوامل معنوی وجود دارد که یک ارگان شهری معمولی را به یک محرکه نوآوری تبدیل می کند.

در بخش زیر 17، استراتژی توسعه نوآوری عمومی ارائه شده است: استراتژیهای توسعه : اماکن مقدسه، پارکها ، کتابخانه ها، موزه ها، برج دیده بانی ، دانشگاه ها، بازار سرمایه ، زیر ساخت دیجیتالی، نواحی صنعتی یا خوشه های صنعتی ، پارک های فناوری، انکوباتورها ، آموزش و پرورش و سرانجام فضای مجازی شهری ."

دوایر 2006 با کمی تغییرات " . استراتژی های فوق مسیر دستیابی به چشم انداز را بسیار سرعت بخشیده و گاهها جهش هایی چشمگیر ایجاد می نماید